فصلنامه حقوق اداری

سال دوازدهم، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۴۳

مقاله علمی پژوهشی

نقد و بررسی ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص رسیدگی هم‌زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

محمد نکوئی[۱]؛ امیرحسین خوش‌رفتار برنا[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

چکیده

طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در مواردی که تخلف اداری، هم‌زمان وصف جزایی نیز دارد، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری باید به تخلف کارمند رسیدگی نمایند و نمی‌توانند رسیدگی را به صدور رأی از مراجع قضایی موکول نمایند و چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، باید طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام کنند. از همین رو، سؤال اصلی این پژوهش به تأثیر تصمیم مراجع قضایی در تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه و ایرادات ماده مزبور اختصاص یافته است. یافته های پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی و تحلیلی، مبین آن است که هرچند، حکم این ماده از نظر جلوگیری از تأخیر در محاکمه متهم، مفید است؛ لکن از حیث پیش‌بینی عدم ملازمه بین رسیدگی و صدور رأی هم‌زمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، به دلیل مغایرت با قاعده منع مجازات مضاعف و عدم امکان اعاده به وضع سابق در صورت برائت در مورد برخی مجازات‌ها قابل انتقاد به نظر می‌رسد. لذا برای جلوگیری از تضییع حقوق کارمندان متهم، اصلاح ماده مورد بحث ضروری است.

واژگان کلیدی: تخلفات اداری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مجازات‌های اداری، مجازات‌های کیفری، مراجع قضایی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.

۱. دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
m.nekouie93@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی
s.javan11074@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

مقدمه

به موجب ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون، هیأت‌هایی تحت عنوان «هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» تشکیل می‌شود و طبق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مزبور، هیأت‌ها پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به کارمند، در صورت احراز تخلف یا تخلفات موضوع ماده ۸ این قانون، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات‌های موضوع ماده ۹ این قانون را اعمال خواهند نمود.

مطابق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، «هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است، مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می‌نماید».

در مواردی که تخلف اداری کارمندان، هم‌زمان عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز دارد، بین رسیدگی و اعمال مجازات‌های کیفری و اداری همپوشانی وجود دارد. لذا سؤالات مقاله آن است که در این‌گونه موارد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری چگونه باید عمل نماید و چه نسبتی بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت رسیدگی به تخلفات اداری در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه وجود دارد؟ تجویز رسیدگی هم‌زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی اداری کارمندان چه تأثیری در حقوق کارمندان متهم به ارتکاب تخلفات اداری دارد؟ اگرچه در برخی کتب مرتبط با تخلفات اداری، به ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص رسیدگی هم زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به اختصار اشاره شده است، لکن به صورت مشخص، پژوهش مستقلی برای پاسخگویی به سؤالات فوق انجام نشده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

پاسخ به این سؤالات ایجاب می‌کند که ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مورد بررسی گیرد. اهمیت موضوع در آن است که تبیین نشدن نسبت بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه، می‌تواند به سردرگمی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، اطاله رسیدگی و اعمال هم‌زمان مجازات‌های اداری و کیفری، تضییع حقوق کارمندان و رعایت نشدن اصول دادرسی عادلانه منجر شود.

بر این اساس، مطالب این مقاله در سه بخش ارایه می‌شود. در بخش اول مفاهیم تخلف و جرم و رابطه بین این دو مفهوم بیان می‌شود و در بخش دوم رابطه بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه، در بخش سوم آثار سوء رسیدگی هم زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری بررسی و در پایان نیز نتیجه پژوهش بیان می‌شود.

۱. تعاریف و مفاهیم

شناخت تعاریف و مفاهیم مرتبط با هر موضوعی، گام اصلی آشنایی با آن موضوع است. شناخت تعاریف و مفاهیم تخلف اداری و جرم نیز چنین نقشی را در نقد و بررسی ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص رسیدگی هم زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری دارد. از این رو، در این بخش ضمن بیان تعاریف و مفاهیم تخلف اداری و جرم، رابطه این دو مفهوم را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. مفهوم تخلف اداری

در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ تعریفی از تخلف اداری ارائه نشده و تنها به ذکر مصادیق ۳۸گانه آن بسنده شده است. ولی در ذیل ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۵ تصریح شده بود که تخلفات اداری شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف اخلاق عمومی است، اعم از این که ناشی از تقصیر یا قصور متخلف باشد. در این ماده از تقصیر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

به نقض عمدی قوانین و مقررات اداری و از قصور به کوتاهی غیرعمدی در اجرای وظایف اداری تعبیر شده است.

هرچند در قانون فعلی رسیدگی به تخلفات اداری و آیین‌نامه اجرایی آن تعریفی در مورد تخلفات اداری وجود ندارد. ولی در ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۰۴ هیأت عالی نظارت، تخلف اداری عبارت است از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست توسط مستخدم و عدم رعایت نظم و انضباط اداری که منحصر به موارد مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد و به دو دسته قصور و تقصیر تقسیم می‌شود:

الف. قصور عبارت است از کوتاهی غیرعمدی در انجام وظایف اداری محوله

ب. تقصیر عبارت است از نقض عمدی قوانین مربوط.

با توجه به ماده ۹۷ قانون مدیریت خدمات کشوری[۱] در باب ممنوعیت‌ها و تکالیف کارمندان و اتخاذ ملاک از ماد ۲ قانون مجازات اسلامی[۲]، در تعریف جرم، می‌توان گفت تخلف اداری عبارت است از هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که انجام یا ترک آن برای مستخدمین دولت ممنوع یا تکلیف شده است. فعل یعنی انجام دادن اموری که انجام آن‌ها ممنوع است، مانند انجام امور موضوع ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری شامل اخذ رشوه و سوءاستفاده از مقام اداری و استفاده از هرگونه امتیاز، تسهیلات، حق مشاوره، هدیه و موارد مشابه در مقابل انجام وظایف اداری و وظایف مرتبط با شغل توسط کارمندان دستگاه‌های اجرایی یا ارتکاب اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری موضوع بند یک ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که تخلف محسوب می‌شود. ترک فعل یعنی انجام ندادن اموری که انجام آن‌ها تکلیف شده است، مثل انجام ندادن تکالیف موضوع ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری‌که به موجب آن، کارمندان دستگاه‌های اجرایی موظف می‌باشند که وظایف خود را با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده‌رویی، انصاف و تبعیت از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی دستگاه مربوطه انجام دهند و در مقابل عموم مراجعان به طور یکسان و

۱. ماده ۹۷ قانون مدیریت خدمات کشوری: رسیدگی به مواردی که در این قانون ممنوع و یا تکلیف شده است و سایر تخلفات کارمندان دستگاه‌های اجرایی و تعیین مجازات آنها طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری – مصوب ۱۳۷۲– می‌باشد. «به استثنا ماده (۹۱) که ترتیب آن در این ماده مشخص شده است».

۲. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

دستگاه ذی‌ربط پاسخگو باشند و هرگونه بی‌اعتنایی به امور مراجعان و تخلف از قوانین و مقررات عمومی ممنوع می‌باشد یا عدم اجرای دستور مافوق موضوع بند ۱۳ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که تخلف شناخته است. به طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را تخلف اداری گویند (ابوالحمد، ۱۳۸۳: ۶۵).

۲-۱. مفهوم جرم

جرم در اصطلاح متون دینی و فقهی هر نوع کار ممنوع شرعی است که خداوند برای آن کیفر دنیوی (از قبیل: حد، تعزیر، قصاص، دیه، کفاره) یا اخروی مقرر کرده، اعم از انجام دادن کاری که در دین از آن نهی شده یا ترک کردن کاری که بدان امر شده است (فیض، ۱۳۸۱: ۶۹؛ اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). هم چنین، برخی جرم را «مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد»، تعریف کرده‌اند (گرجی، ۱۳۶۵: ۵۸).

تعریف قانونی جرم کیفری و مجازات آن، نخستین بار در هنگام تنظیم اصل دوازدهم متمّم قانون اساسی (مورخ ۱۰مهر ۱۲۸۶شمسی) صورت گرفت که به موجب آن «حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون» پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لزوم قانونی بودن جرم را در اصل یکصد و شصت و نهم مورد تصریح داده است: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود» و در نهایت ماده ۲ قانون فعلی مجازات اسلامی، در تعریف جرم تصریح می‌کند: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». با توجّه به تعریف جرم از دیدگاه قانون برای این‌که عملی جرم محسوب شده و قابل مجازات باشد، «اجتماع چند عامل و ترکیب آن‌ها با یکدیگر یا وجود عناصری لازم است» (ولیدی، ۱۳۸۲: ۱۵۱) که این عناصر عبارت‌اند از «عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی».

۳-۱. رابطه جرم و تخلف

رابطه جرم و تخلف اداری عموم و خصوص من وجه است. یعنی هر یک نسبت به دیگری از جهتی اعم و از جهتی اخص و علاوه بر افراد مشترک دارای افراد مخصوص به خود نیز می‌باشند که با افراد آن یکی متفاوت می‌باشد. لذا برخی جرائم، تخلف اداری هم محسوب می‌شوند، ولی همه جرائم تخلف

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

نیستند و از طرف دیگر، برخی تخلفات اداری، جرم هم محسوب می‌شوند؛ ولی همه تخلفات اداری جرم نیستند. مانند: «اختلاس، ارتشاء، ایراد تهمت و افترا و جعل سند» که هم جرم هستند و هم تخلف اداری. ولی جرائم دیگری وجود دارد که تخلف نیستند، مانند: «جرم عدم پرداخت نفقه زن به وسیله مرد» که تخلف نیست. هم چنین، هر تخلفی نیز جرم نیست، مثل «غیبت، ترک خدمت در خلال ساعت موظف اداری». با این توضیح که برخی از اعمال ارتکابی کارمند هر دو جنبه اداری و جرم را دارد و اعمال ارتکابی هم به عنوان جرم در مرجع قضایی قابل تعقیب است و هم به عنوان تخلف اداری قابلیت طرح در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری را دارد (نکوئی، ۱۳۹۹: ۱۲).

۲. رابطه بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه

مطابق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری: «هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است، مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون[۱] اقدام می‌نماید».

در این بخش، دو موضوع عدم ملازمه بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه و تأثیر تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت در تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. ماده ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری: «اصلاح یا تغییر آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صرفاً در مواردی که هیأت به اکثریت آرای تشخیص دهد که مفاد حکم صادر شده از لحاظ موازین قانونی (به لحاظ شکلی یا ماهوی) مخدوش می‌باشد، پس از تأیید هیأت عالی نظارت در خصوص مورد امکان پذیر است».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

۱-۲. عدم ملازمه بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان

دادگاه‌های اداری و کیفری از دو صنف متفاوت هستند و از همین روی، صلاحیت آن‌ها نسبت به یکدیگر صلاحیت ذاتی است؛ بنابراین دادرسی در دو مرجع از دو صنف مختلف، نمی‌تواند وابسته به یکدیگر باشد؛ بلکه نسبت به هم مستقل می‌باشند (زراعت و زراعت، ۱۴۰۰: ۴۱). بنابراین، علی‌الاصول اعتبار آرای صادره از این مراجع نیز به یکدیگر وابستگی ندارد. به عنوان مثال، اگر کارمندی به اتهام اختلاس در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم شود، مرجع قضایی نمی‌تواند به استناد رأی صادره از هیأت رسیدگی به تخلفات اداری و بدون رسیدگی قضایی کارمند را به مجازات کیفری محکوم کند. به بیان دیگر، رسیدگی قضایی به جرم، مستقل از رسیدگی اداری بوده و رأی هیأت تنها در محدوده دستگاه اداری کارمند معتبر است. برای همین است که تبصره ۳ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به صراحت اعلام می‌کند: «هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر، نماینده دولت در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هستند و رأی آنان به تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازات‌های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم‌هایی که موضوع قانون مجازات‌های اسلامی است، نیست». از طرف دیگر، طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به تخلف، مستقل از رسیدگی قضایی بوده و هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود.

بنابراین، طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در صورتی که عمل ارتکابی تواماً دارای دو عنوان تخلف اداری و جرم باشد، هیأت‌ها باید به تخلف اداری کارمند رسیدگی و متناسب با تخلف و با لحاظ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مجازات مقتضی را در مورد کارمند اعمال نمایند و لزومی ندارد که این امر را به اعلام جرم به مرجع قضایی و صدور رأی از ناحیه آن با موکول نمایند (نکوئی، ۱۳۹۲: ۲۷۴). لذا رسیدگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمند ملازمه با رسیدگی و صدور حکم از ناحیه دادگاه در خصوص اتهام انتسابی به وی ندارد[۱] و حتی در صورت صدور رأی از مرجع قضایی، با عنایت به صراحت ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، تصمیم مرجع قضایی

۱. نظریه شماره ۷/۳۱۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۲۳ اداره حقوقی قوّه قضائیّه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

مانع از اعمال مجازات اداری نمی‌باشد[۱] و هیأت رسیدگی‌کننده می‌تواند براساس اسناد و مدارکی که در اختیار دارد، راساً پرونده اتهامی را مورد رسیدگی قرار داده و رأی مقتضی صادر نماید و الزامی ندارد، منتظر نتیجه رسیدگی در مراجع قضایی باشد (دبیرخانه هیأت عالی نظارت، ۱۳۸۳: ۱۰).

همچنین، طبق دادنامه شماره ۹۸/۷۱ مورخ ۶/۳/ ۱۳۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: نظر به اینکه بر اساس ماده ۱ و ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری[۲] رسیدگی به کلیه تخلفات اداری کارمند به جز تخلفات مذکور در بندهای ۲۳ و ۲۴ ماده ۹ قانون در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد[۳] و قسمت اخیر ماده ۲۵ قانون[۴] فوق‌الذکر نیز به صراحت بیان داشته است که رسیدگی در مراجع قضایی مانع رسیدگی اداری نخواهد بود و با عنایت به اینکه صدور احکام تبرئه از ناحیه مراجع قضایی در خصوص جرایم مذکور در ماده ۲۵ قانون فوق، ناظر به جنبه‌های کیفری و جزایی است، ارتباطی به عنوان تخلفات اداری که رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد، ندارد.

ممکن است، استدلال شود که مراجع قضایی در مورد تشخیص تخلفات جرم گونه صلاحیت ذاتی دارند. بنابراین در این گونه اتهامات، مانند «اختلاس و رشوه»، پرونده باید نخست به مرجع قضایی جهت رسیدگی به اصل جرم ارسال گردد. به همین دلیل است که قسمت اخیر ماده ۱۹ مقرر می‌دارد،

---

۱. رأی شماره ۲۸ مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲. مواد ۱و۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵:

ماده ۱. به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاههای مشمول این قانون هیأت‌های تحت عنوان هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدید نظر می‌باشد.

ماده ۴. صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است و آراء صادره در صورتی که قابل تجدید نظر نباشد، از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. درمورد آرایی که قابل تجدید نظر است هر گاه کارمند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی درخواست تجدید نظر نماید، هیأت تجدیدنظر مکلف است به رسیدگی خواهد بود. آراء هیأت تجدید نظر از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم‌الاجرا است.

۳. بندهای ۲۳و ۲۴ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب۱۳۶۵:

ماده ۹. تخلفات اداری به قرار زیر است: ...۲۳- کارشکنی، شایعه پراکنی و شرکت در تحصن‌ها، تظاهرات و اعتصابات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی و یا فردی برای تحصیل مقاصد یا به دست آوردن امتیازات غیرقانونی.

۲۴. تحریک در ایجاد تحصن‌ها، اعتصابات و تظاهرات غیر قانونی و یا وادار ساختن دیگران به کارشکنی یا کم کاری یا ایراد خسارت به اموال‌دولتی.

۴. ماده ۲۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب۱۳۶۵: هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است پرونده‌امر را به مراجع قضایی ارسال دارد و رسیدگی در مرجع قضایی مانع رسیدگی اداری نخواهد بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ قانون اقدام به اصلاح یا تغییر رأی می‌نماید (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۸: ۲۷۷).

در پاسخ به این دیدگاه باید گفت: اولاً ماده ۱۹ رسیدگی به تخلفات اداری صراحت دارد که هیأت بایستی مستقلاً به تخلف رسیدگی نموده و رأی صادر نماید و تصمیم قضایی مراجع دادگستری مانع از اعمال مجازات اداری نیست.[۱] ثانیاً: استناد به ماده ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مؤید لزوم تکلیفِ تبعیت هیأت از حکم دادگاه کیفری نیست؛ چرا که در همین ماده به صراحت اعلام شده، اصلاح یا تغییر آرای قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، صرفاً منوط به تشخیص اکثریت آرای اعضای هیأت است. بنابراین حتّی اگر کارمند در مرجع قضایی تبرئه شده باشد، ولی اعضای هیأت تشخیص ندهند که اصلاح یا تغییر مجازات اداری ضرورت دارد، تغییری در وضعیت وی به وجود نخواهد آمد. به بیان دیگر، نتیجه رسیدگی در هر یک از مراجع اداری و قضایی تأثیری در آن یک نخواهد داشت (ساکی، ۱۳۹۲: ۲۲) و این مطلب دلیل دیگری بر استقلال مراجع رسیدگی‌کننده در تخلف اداری و جرم کیفری می‌باشد. بنابراین، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صرف نظر از تعقیب مستخدم متهم در مراجع کیفری، مکلف به رسیدگی و تعیین تکلیف خطای اداری مستخدم هستند و به فرض صدور حکم برائت متهم در مراجع قضایی، ملزم به رعایت مادتین ۱۹و ۲۴ قانون مزبور می‌باشند.[۲]

۲-۲. تأثیر تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت در تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان

هر چند به عنوان یک اصل، طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، بین رسیدگی و صدور رأی توسط دادگاه با رسیدگی و صدور رأی توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ملازمه‌ای وجود ندارد و هرکدام از مراجع فوق‌الذکر، با توجه به ماهیت دوگانه فعل ارتکابی کارمند اتخاذ تصمیم می‌نمایند، لکن در مواردی که کارمند از اتهامی که وصف مجرمانه داشته، برائت گرفته و در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکومیت یافته باشد،

۱. دادنامه شماره ۲۸ مورخ ۱۳۷۷ /۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

۲. دادنامه شماره ۲۱۶/۷۷ مورخ ۱۲ /۱۳۷۷/۱۰ هیات عمومی دیوان عدالت اداری

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

در این حالت رأی دادگاه بر رأی هیأت ارجحیت خواهد داشت. لذا در ما نحن فیه، تجدیدنظر و رسیدگی مجدد به پرونده کارمندان متخلفی که تخلف آنان، علاوه بر جنبه اداری، واجد عنوان جرایم مندرج در قوانین جزایی نیز بوده و پس از رسیدگی مراجع قضایی رأی بر برائت آنان صادر می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد[۱] و در صورت صدور حکم برائت از سوی مرجع قضایی،[۲] لازم است هیأت به استناد قسمت مؤخر ماده ۱۹ بر اساس ماده ۲۴ قانون اقدام نماید (دبیرخانه هیأت عالی نظارت، ۱۳۸۳: ۱۰).

بنابراین در مواردی مانند احراز اخذ رشوه، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، مرجع قانونی احراز اخذ رشوه و تحصیل مال از طریق نامشروع نبوده و این مهم در صلاحیت مراجع قضایی است و چنانچه رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری تنها به استناد ارتکاب بزه اخذ رشوه صادر شده با توجه به صدور حکم برائت در مرجع قضایی، مستحق نقض در دیوان است.[۳] هم‌چنین اثبات اتهام ارتباط نامشروع تنها در صلاحیت دادگاه صالح بوده و اخراج مستخدم به استناد این اتهام، خارج از صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است،[۴] مگر اینکه اخراج مستخدم پس از اثبات اتهام ارتباط نامشروع در مرجع قضایی و به استناد حکم مرجع قضایی باشد.

هرچند حکم برائت متهمان از جمله عوامل مؤثر در اتخاذ تصمیم و مفاد رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد، لیکن صدور حکم برائت توسط مراجع قضایی، الزاماً مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات ادرای درخصوص مورد نیست.[۵] به عبارت دیگر، صدور

---

۱. رأی شماره۱۳۳ – ۶/ ۸/ ۱۳۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲. طبق دادنامه شماره ۱۰ مورخ ۲۰ /۱/ ۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، درخواست شاکی مبنی بر رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به استناد حکم برائت قطعی صادره از مراجع قضایی با توجه به مدلول مادتین ۱۹ و ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری واجد اوصاف امر مختوم نیست. علاوه بر این، در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مربوط مهلتی برای تقدیم درخواست رسیدگی و شکایت کارمندان از آراء هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری در هیأت عالی نظارت پیش بینی نشده است در نتیجه تقدیم درخواست یا طرح شکایت کارمندان محکوم از آراء محدودیت زمانی ندارد و در هر زمانی قابل ارائه است که این امر قابل انتقاد بوده و می تواند سبب تزلزل دایمی آراء هیأت ها باشد و هم چنین، تزلزل جایگاه هیأت‌ها را به دنبال داشته باشد(صادقی مقدم و میرزاده، ۱۳۹۲: ۲۹۲).

۳. آرای شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۲۶۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۲۶۳۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ شعبه ۵ بدوی دیوان عدالت اداری.

۴. رای شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۵۵۱۰۰۰۱۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

۵. رأی شماره ه ۳۲۶ – ۱۳۸۷/۰۵/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

حکم برائت از سوی مرجع قضایی کیفری، الزاماً مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص اتهام وارده نیست.[۱] مثلاً ممکن است تخلف ارتکابی با بندهای دیگر ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز انطباق داشته باشد که در این صورت هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ذی‌ربط ملزم به صدور رأی برائت نمی‌باشد و می‌تواندرأی بر محکومیت کارمند به استناد بندهای دیگر ماده ۸ قانون مزبور رأی صادر نماید. به عنوان نمونه اگر پرونده کارمندی به اتهام اختلاس در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مطرح باشد و هیأت، اختلاس کارمند را محرز دانسته و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد و مرجع قضایی پس از رسیدگی لازم، کارمند را از اتهام اختلاس تبرئه نماید؛ در این حالت، برائت متهم از جمله عوامل مؤثر در اتخاذ تصمیم و مفاد رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود. لکن صدور رأی بر برائت کارمند توسط مرجع قضایی، مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌باشد و تخلف ارتکابی تحت عناوین دیگر مانند تصرف و استفاده غیرقانونی از اموال دولتی موضوع بند ۲۵ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قابل رسیدگی می‌باشد.

هم چنین، در صورت صدور قرار منع تعقیب در مرجع قضایی، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری باید قرار منع تعقیب صادره از مراجع قضایی را در رأی خود لحاظ نماید. بنابراین، با وصف فوق که قرار مزبور، دلالت بر عدم احراز وقوع بزه و به تبع تخلفات اداری متعاقب آن را می‌نماید، می‌باید در رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری لحاظ گردد. در غیر این صورت، رأی هیأت در دیوان عدالت اداری نقض خواهد شد.[۲] مع‌الوصف، همانند حکم برائت، قرار منع تعقیب از جمله عوامل مؤثر در اتخاذ تصمیم و مفاد رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود. لکن صدور قرار منع تعقیب کارمند توسط مرجع قضایی، مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌باشد و تخلف ارتکابی تحت عناوین دیگر قابل رسیدگی می‌باشد.

---

۱. رای شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۶۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۶ شعبه ۱ تشخیص دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۰۳۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ شعبه ۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

۲. رأی شماره۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۰۷۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

از طرف دیگر، به استناد ملاک ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲[۱] (به عنوان یکی از جلوه‌های قاعده اعتبار امر مختوم). باید گفت، رفتاری که دادگاه کیفری وقوع آن را احراز کرده است، علی‌الاصول در سایر مراجع از جمله دیوان عدالت اداری باید وقوع آن محرز تلقی شود و ذکر «دادگاه حقوقی» در ماده یاد شده به معنای نفی اعمال و اجرای این قاعده در سایر مراجع اداری و قضایی و شبه قضایی نخواهد بود. بنابراین چنانچه مرجع کیفری وقوع جرمی را احراز کرده باشد و هیأت رسیدگی به تخلفات اداری از باب ارتکاب تخلف، همان موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد، مرجع اخیرالذکر نمی‌تواند اصل وقوع رفتار منتسب به محکوم علیه را نفی نماید و دیوان عدالت اداری نیز در مقام ارزیابی این رأی مجاز نیست تا اصل تحقق رفتار را مورد بررسی قرار داده و آنچه را مرجع کیفری احراز کرده است، نفی نماید. [۲]

نکته دیگر این است که با صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت کیفری مستخدم دولت به انفصال دایم از خدمات دولتی در مراجع قضایی، رابطه استخدامی وی با واحد دولتی متبوع قطع می‌شود. لذا طبق دادنامه شماره ۲۶ مورخ ۲/۱۲/ ۱۳۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت کیفری مستخدم دولت به انفصال دایم از خدمات دولتی در مراجع قضایی و اعتبار آثار آن در جهت قطع رابطه استخدامی محکوم علیه با واحد دولتی متبوع، رسیدگی هیأت‌ها موردی نخواهد داشت.

۳. آثار سوءرسیدگی هم‌زمان به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

در مبحث مربوط به رابطه بین تصمیم مراجع قضایی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه اشاره شد که طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در صورتی که عمل ارتکابی تواماً دارای دو عنوان تخلف اداری و جرم باشد، هیأت‌ها باید به تخلف اداری کارمند رسیدگی و متناسب با تخلف و با لحاظ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مجازات مقتضی را در مورد کارمند اعمال نمایند و لزومی ندارد که این

۱. ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که بـه امـر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم الاتباع است.

۲. نظریه شماره ۷/۹۵/۲۳۳ مورخ ۱۳۹۶/۲/۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

امر را به اعلام جرم به مرجع قضایی و صدور رأی از ناحیه آن موکول نمایند. لذا هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صرف نظر از تعقیب مستخدم متهم در مراجع کیفری، مکلف به رسیدگی و تعیین تکلیف خطای اداری مستخدم هستند و به فرض صدور حکم برائت متهم در مراجع قضایی، ملزم به رعایت مادتین ۱۹و ۲۴ قانون مزبور می‌باشند.

حکم ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر عدم ملازمه بین رسیدگی و صدور رأی هم زمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، از این جهت منطقی است که در اسرع وقت باید بی‌گناهی یا متخلف بودن متهم روشن شود. اهمیت این امر از آن جهت است که اطاله دادرسی و تأخیر بدون دلیل در محاکمه متهم، دادرسی عادلانه را از هدف اصلی آن که تضمین حقوق اشخاص و جامعه است، منحرف می‌سازد. تأخیر بدون دلیل در محاکمه و مجازات متهم، هم قربانی جرم را از رسیدن به موقع به حقوق از دست رفته خود بی‌نصیب می‌کند و هم با حقوق دفاعی جامعه مغایر است، علاوه بر این امنیت زندگی اجتماعی، شغلی و خانوادگی و حتی روانی متهم را نیز با مخاطره مواجه می‌سازد (نکوئی، ۱۴۰۰: ۱۹۹). در این رابطه در رأی شماره ۲۰۴ مورخ ۶/۲۵/ ۱۳۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بر رعایت اصل سرعت و ممنوعیت تأخیر در رسیدگی هیأت‌ها تأکید شده است. طبق این رأی هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر موظف‌اند به تخلفات اداری مستخدمین دولت و تعیین تکلیف آنان به فوریت و در حداقل زمان ممکن رسیدگی و رأی مقتضی صادر کنند. این رأی از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که علی‌رغم نبودن حکمی در قانون و مقررات مربوط به رسیدگی به تخلفات اداری، در مورد لزوم رسیدگی فوری و در مدت معقول و منطقی، در آن به صراحت به اصل رسیدگی در مدت معقول و منطقی استناد شده است و الزام و تکلیف هیأت‌ها به رعایت این اصل به عنوان یکی از مصادیق اصول دادرسی منصفانه و عادلانه در تضمین حقوق مستخدم متهم مؤثر است (همان: ۲۰۰). با این حال، حکم ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر عدم ملازمه بین رسیدگی و صدور رأی هم زمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به دلیل مغایرت با قاعده منع مجازات مضاعف و تضییع حقوق کارمند

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

متهم به علت عدم امکان اعاده به وضع سابق در صورت برائت در مورد برخی مجازات‌ها قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

۱-۳. مغایرت با قاعده منع مجازات مضاعف

طبق قاعده منع مجازات مضاعف، کسی که مرتکب تخلف یا جرمی شده باشد، برای عمل ارتکابی باید یک بار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد و اعمال دو مجازات برای یک عمل عادلانه به نظر نمی‌سد. لذا ممنوعیت مجازات مضاعف در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. از جمله به موجب بند ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد. پس این قاعده زمانی قابل اجرا است که شخص متهم به ارتکاب جرم، در مورد آن جرم قبلاً محکومیت یافته یا برائت گرفته باشد.

در حکم ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، این قاعده نادیده گرفته شده است. زیرا طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هر گاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است، مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هر گونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود.

لکن طبق قاعده منع مجازات مضاعف، اعمال دو مجازات از سوی مرجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، هر گاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، با اصول دادرسی عادلانه سازگار به نظر نمی‌رسد. زیرا هیچ کس را نمی‌توان به خاطر مسأله‌ای که قبلاً یک بار محکوم نهایی شده یا برائت وی بر اساس قانون و آیین دادرسی کیفری هر کدام از دولت‌ها حاصل شده است، دوباره محاکمه یا مجازات کرد (هداوند و آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۲۵۲). در حالی که مطابق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در صورتی که اتهام منتسب به کارمند خاطی، هم از لحاظ جزایی و هم از لحاظ اداری،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

جرم و تخلف محسوب شود، او را می‌توان برای هر دو عنوان تحت تعقیب اداری و کیفری قرار داد و چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می‌نماید. در این موارد، رأی مرجع کیفری مؤثر در ماهیت تخلف اداری و برای هیأت‌ها لازم الاتباع است. بنابراین، به دلیل تأثیرپذیری آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری از آرای مراجع قضایی، ارتباط رسیدگی و تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری با رسیدگی و تصمیم مراجع کیفری، برای جلوگیری از صدور آرای متناقض و تأثیرات نامطلوب آن، باید مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، لازم است، ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، اصلاح و در این گونه موارد، رسیدگی در هیأت‌ها تا زمان تعیین تکلیف پرونده در مراجع قضایی متوقف گردد. تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲، جایگزین منطقی و عادلانه‌تری نسبت به مفاد قانون موجود است که به موجب آن: «در مواردی که تخلف انضباطی کارکنان دارای عنوان مجرمانه نیز باشد، ابتدا به عنوان جرم توسط مرجع قضائی رسیدگی و در صورت محکومیت، رسیدگی به عنوان تخلف انضباطی منتفی خواهد شد، در غیر این صورت، صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت از سوی مرجع قضائی، مانع از رسیدگی به موضوع تحت عنوان انضباطی نخواهد بود. به هر حال رسیدگی به یک تخلف تحت دو عنوان جرم و تخلف انضباطی به‌طور هم زمان ممنوع است». لذا طبق دادنامه شماره ۳۸۶ مورخ ۹/۷/ ۱۳۹۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با توجه به این که به موجب تبصره یک ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰، در مواردی که تخلف انضباطی کارکنان دارای عنوان مجرمانه نیز باشد، صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت از سوی مراجع قضائی مانع از رسیدگی به موضوع تحت عنوان انضباطی نخواهد بود، ولی در صورت محکومیت، رسیدگی به عنوان تخلف انضباطی منتفی خواهد شد.

حکم مشابه تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی، در ماده ۱۳ قانون مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مصوب ۱۲/۲۶/ ۱۳۶۴ و تبصره آن نیز وجود دارد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «هرگاه تخلف عضو هیأت علمی عنوان یکی از جرائم مندرج در

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات انتظامی، مکلف است پرونده امر را به مرجع قضایی ارسال دارد. حکم مراجع قضایی از جهت ارتکاب جرم عمومی برای هیأت انتظامی لازم‌الاتباع است، ولی رسیدگی در مراجع قضایی مانع رسیدگی انتظامی نخواهد بود. لیکن تا صدور رأی مراجع قضایی آن را متوقف می‌سازد. نکته دیگر مربوط به تبصره ماده ۱۳ قانون مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها است که مقرر می‌دارد: «درصورتی که مجازات تعیین شده از طرف مراجع قضایی همان مجازات مقرره در این قانون باشد، مجازات تکرار نخواهد شد و در غیر این صورت، حکم مراجع قضایی مانع مجازات‌های انتظامی نخواهد بود».

در ماده ۴۰ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ نیز حکم مشابه تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی و تبصره ماده ۱۳ قانون مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگا ه‌ها مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ وجود داشته است که به موجب آن: مجازات‌های اداری جرائم بند ب ماده ۱۵ به استثناء شماره‌های ۴ و ۵ و ۶ آن بند و جرائم ماده ۱۶ به استثنای شماره‌های ۵ و ۶ و ۹ و ۱۰ آن‌ماده و جرائم ماده ۱۹ به استثنای شماره ۴ آن ماده و همچنین جرائم بند ۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰و ۱۱ ماده ۲۹ و جرائم ماده ۳۱ تنها در صورتی‌قابل اجرا خواهد بود که جرائم قبلاً در دادگاه صالحه به اثبات رسیده باشد.

با توجه به اینکه احراز جرم در صلاحیت مراجع کیفری است، در مورد تخلفات واجد وصف کیفری، بهتر است که با اصلاح قانون رسیدگی به تخلفات اداری، پیش‌بینی شود که ابتدا به عنوان جرم توسط مرجع قضائی رسیدگی شود و رسیدگی در هیأت‌ها تا زمان تعیین تکلیف پرونده در مراجع قضایی متوقف گردد.

۲-۳. عدم امکان اعاده کامل به وضع سابق در صورت نقض رأی هیأت‌ها به تبعیت از برائت متهم در مرجع قضایی

در ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، پیش‌بینی شده است که در صورتی که عمل ارتکابی تواماً دارای دو عنوان تخلف اداری و جرم باشد، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، صرف‌نظر از تعقیب مستخدم متهم در مراجع کیفری، باید به تخلف اداری کارمند رسیدگی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

متناسب با تخلف و با لحاظ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مجازات مقتضی را در مورد وی اعمال نمایند و به فرض صدور حکم برائت متهم در مراجع قضایی، ملزم به رعایت مادتین ۱۹و ۲۴ قانون مزبور می‌باشند. در صورتی که پس از صدور حکم برائت متهم در مراجع قضایی، رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به استناد مادتین ۱۹و ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نقض شود، در صورت برائت کارمند متهم در رأی جدیدالصدور، اجرای مجازات منتفی و در صورت تغییر رأی و صدور حکم محکومیت جدید، اجرای مجازات قبلی منتفی و مجازات جدید به مورد اجرا گذاشته می‌شود. در هر دو حالت، ضرورت دارد که حسب مورد وضع کارمند به زمان قبل از اجرای رأی نقض شده برگردد. اعاده وضع به حال سابق در اثر نقض رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، باید به گونه‌ای باشد که مستخدم را در موقعیتی قرار دهد که اگر رأی اجرا نمی‌شد، در آن موقعیت قرار می‌گرفت؛ زیرا اعاده وضع به حال سابق، تمام اقداماتی را که به منظور اجرای حکم صورت گرفته، زایل می‌سازد. [۱]

لکن در مواردی امکان اعاده کامل به وضع سابق در صورت نقض رأی هیأت‌ها به تبعیت از برائت متهم درمرجع قضایی وجود ندارد. مثلاً اگر کارمندی با رأی هیأت به یکی از مجازات‌های انفصال موقت از یک ماه تا یک سال (بند د ماده ۸ قانون) یا اخراج از دستگاه متبوع (بند ی ماده ۸ قانون) یا انفصال دائم از خدمات دولتی (بند ک ماده ۸ قانون)، محکوم شده باشد و به تبعیت از برائت متهم در مرجع قضایی، رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به استناد مادتین ۱۹ و ۲۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نقض و کارمند به کار در شغل قبلی اعاده شود، ممکن است، اعاده به وضع سابق در خصوص ایام عدم اشتغال ناشی از اعمال مجازات‌های ذکر شده (از تاریخ انفصال و اخراج کارمند تا هنگام اعاده به کار) وجود نداشته باشد؛ زیرا پس از صدور رأی جدید و در صورت محکومیت کارمند به مجازات دیگر و غیرقاطع رابطه استخدامی، تمام آثار رأی قبلی زایل نشده و کارمند در موقعیت قبل از اجرای رأی نقض شده قرار نمی‌گیرد. علت این امر آن است که در صورت محکومیت متهم پس از نقض رأی به یکی از مجازات‌های اداری، حتی سبک‌ترین مجازات، مثلاً اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی (بند الف ماده

۱. نظریه شماره ۷/۵۹۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۸/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

۸ قانون) یا توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی (بند ب ماده ۸ قانون)، طبق ذیل ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، دوران عدم اشتغال شاغلان جزء سابقه خدمت آنان محسوب نمی‌شود و در این صورت، پرداخت حقوق مبنا و یا عنوان مشابه به او جواز قانونی ندارد و شرط احتساب ایام عدم اشتغال، برائت مستخدم است.[۱] لذا پس از نقض رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت عالی نظارت، چنانچه هیأت مرجوع‌الیه پس از رسیدگی مجدد، طبق رأی جدید متهم را از اتهام یا اتهامات انتسابی تبرئه نماید، در این صورت وضعیت او طبق ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری تعیین تکلیف می‌شود و حقوق مبنا یا عنوان مشابه دوران عدم اشتغال به مأخذ آخرین پست سازمانی که قبل از این دوران، تصدی آن را به عهده داشته‌اند، پرداخت خواهد گردید و در صورت عدم برائت، اعاده به وضع سابق در مورد بازگشت به کار محقق می‌شود، ولی در مورد پرداخت حقوق مبنا و یا عنوان مشابه و احتساب ایام عدم اشتغال به عنوان سابقه، اعاده به وضع سابق منتفی است و این امر موجب تضییع حقوق کارمندی می‌شود که با تصمیم مرجع قضایی از اتهام انتسابی تبرئه شده است. لذا اگر همانند حکم تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۳ قانون مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ و تبصره آن و ماده ۴۰ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب/۱۳۶۰/۷/۵، ابتدا به عنوان جرم توسط مرجع قضائی رسیدگی شود و رسیدگی در هیأت‌ها تا زمان تعیین تکلیف پرونده در مراجع قضایی متوقف گردد، منطقی و عادلانه خواهد بود. لذا اصلح آن است که با اصلاح قانون رسیدگی به تخلفات اداری، پیش‌بینی شود که در صورتی که عمل ارتکابی تواماً دارای دو عنوان تخلف اداری و جرم باشد، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی خود را متوقف نمایند تا مرجع کیفری رأی نهایی خود را صادر کند و پس از آن متناسب با تصمیم مرجع کیفری رسیدگی و اتخاذ تصمیم کنند؛ زیرا ممکن است مرجع قضایی تصمیمی برخلاف آن اتخاذ کند. آن گاه با دو تصمیم متعارض در خصوص یک موضوع رو به رو می‌شویم. چنانچه دادرس کیفری با انجام تحقیقات فراوان و صرف وقت و امکانات، نتیجه‌ای را به دست آورد، این نتیجه برای مرجع اداری

۱. رأی وحدت رویه شماره ۴۳۸– ۱۳۸۰/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و نظریه شماره ۷/۸۱۵۰– ۱۳۸۶/۱۲/۰۶ اداره حقوقی قوه قضائیه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

نیز کافی است و توجیهی ندارد که دو دادرس به صورت هم زمان، برای رسیدن به یک نتیجه وقت بگذارند (زراعت و زراعت، ۱۴۰۰: ۵۴ و ۵۵).

نتیجه‌گیری

تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، هیچ گونه الزام وتأثیری در تصمیم مراجع قضایی در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه ندارد و رأی آنان در مورد تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازات‌های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرائم موضوع قوانین جزایی نیست. لکن تصمیم مراجع قضایی در رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه می‌تواند در تصمیم هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تأثیرگذار باشد. هر چند طبق ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری بین رسیدگی و صدور رأی توسط مراجع قضایی با رسیدگی و صدور رأی توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، ملازمه‌ای وجود ندارد و هرکدام از مراجع فوق الذکر، با توجه به ماهیت دوگانه فعل ارتکابی کارمند، اتخاذ تصمیم می‌نمایند، لکن در مواردی ممکن است، بین تصمیم این دو مرجع در خصوص اتهام واحد تعارض وجود داشته باشد. به این صورت که کارمند از تخلف واجد وصف مجرمانه در مرجع قضایی برائت گرفته و در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکومیت یافته باشد. مسلم است که در صورت تعارض بین رأی مرجع قضایی و رأی هیأت‌ها، رأی مرجع قضایی ارجحیت خواهد داشت. لذا در صورت برائت کارمند در مرجع قضایی، تجدیدنظر و رسیدگی مجدد به پرونده کارمندان متخلفی که تخلف آنان، علاوه بر جنبه اداری، واجد عنوان جرایم مندرج در قوانین جزایی نیز بوده و پس از رسیدگی مراجع قضایی رأی بر برائت آنان صادر می‌شود، ضروری بوده و لازم است هیأت‌ها به استناد قسمت مؤخر ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، بر اساس ماده۲۴ قانون اقدام نمایند و حکم برائت متهمان، مستفاد از ماده ۱۹ قانون و آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، از جمله عوامل مؤثر در اتخاذ تصمیم و مفاد رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد، لیکن صدور حکم برائت توسط مراجع قضایی الزاماً مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نیست. در این حالت در مورد چگونگی و میزان تأثیر رأی مرجع قضایی در رأی هیأت‌ها و تبعیت آنان از آرای مرجع قضایی ابهام وجود دارد. لذا ضروری است، ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که رسیدگی اداری را هم زمان با رسیدگی قضایی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

اجازه داده است، اصلاح و رسیدگی هم زمان در مرجع قضایی و اداری ممنوع و منوط به تعیین تکلیف نهایی موضوع در مرجع قضایی شود. مگر اینکه به تشخیصِ هیأت رسیدگی‌کننده، نتیجه رسیدگی در مرجع قضایی در رأی آن مرجع تأثیرگذار نباشد که در این صورت مرجع اداری به رسیدگی خود ادامه خواهد داد. زیرا غالباً هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، رسیدگی به تخلفات اداری واجد وصف مجرمانه را در عمل منوط به تعیین تکلیف نهایی موضوع در مرجع قضایی نموده و رسیدگی را متوقف می‌سازند و این امر، علاوه بر اینکه خلاف نص ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری و تخلف است، موجب بلاتکلیفی و اطاله رسیدگی در این مراجع می‌شود.

همچنین، نتیجه بررسی و مطالعه مفاد ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حاکی از وجود نقایص و کاستی‌هایی در این ماده در زمینه اعمال هم زمان مجازات‌های اداری و کیفری می‌باشد و از این حیث، با اصول دادرسی عادلانه انطباق ندارد. برای جلوگیری از تضییع حقوق کارمندان و رعایت تناسب بین تخلف و مجازات ضروری است، ابهامات از چهره ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری زدوده شده و زمینه سوءاستفاده از آن مرتفع شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، سید فتاح (۱۳۹۳)؛ اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات اداری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۳)؛ حقوق اداری ایران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات توس.

۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)؛ حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات میزان.

۴. امامی، محمد؛ کورش استوار سنگری (۱۳۸۸)؛ حقوق اداری، جلد اول، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، تهران: گنج دانش.

۶. دبیر خانه هیأت عالی نظارت (۱۳۸۳)؛ مجموعه پاسخ به ۲۴۸ سؤال در مورد قانون رسیدگی به تخلفات اداری.

۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ لغت نامه دهخدا، جلد سیزدهم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۸. زراعت، عباس، زراعت، محدثه (۱۴۰۰)؛ «استقلال دادرسی اداری؛ رسیدگی هم زمان در مرجع قضایی و اداری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره ششم.

۹. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۲)؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: جنگل ـ جاودانه.

۱۰. صادقی مقدم، محمد حسن، نادر میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۲)؛ آیین رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. عمید، حسن (۱۳۸۳)؛ فرهنگ عمید، تهران: انتشارات راه رشد.

۱۲. فیض، علیرضا (۱۳۸۱)؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی‌اسلام، چاپ ششم، تهران.

۱۳. قرائتی، محسن قرائتی (۱۳۸۳)؛ تفسیر نور، جلد پنجم، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۴. کردنائیج، کورش (۱۳۸۴)؛ تخلفات اداری کارکنان دولت و نحوه رسیدگی به آن، تهران: انتشارات آرون.

۱۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۶)؛ حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ اول، تهران: مؤسسه حقوق تطبیقی.

۱۶. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)؛ مقالات حقوقی، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)؛ محشّای قانون مجازات اسلامی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجد.

۱۸. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۲)؛ حقوق اداری: کلیات و ایران، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

۱۹. نکویی، محمد (۱۳۹۲)؛ نگرشی نو و تحلیلی بر قانون رسیدگی به تخلفات اداری، تهران: افق اندیشه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]

۲۰. نکوئی، محمد (۱۴۰۰)؛ «آسیب‌شناسی آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از منظر اصول دادرسی عادلانه (با تأکید بر آراء دیوان عدالت اداری)» فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره نهم.
۲۱. نکوئی، محمد (۱۳۹۹)؛ تحلیل تخلفات و مجازات‌های اداری کارمندان دولت، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۲۲. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲)؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات خورشیدی.
۲۳. هداوند، مهدی، مسلم آقایی طوق (۱۳۹۶)؛ دادگاه‌های اختصاصی اداری، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/qjal.12.43.129]